

استراتژی ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی از دیدگاه متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت*

شکوفه سادات نائینی^۱ - جمال‌الدین سهیلی^۲**

۱. کارشناس ارشد مهندسی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.
۲. استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۰۲ تاریخ اصلاحات: ۹۴/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۰۵/۳۱ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۶/۳۰

چکیده

هسته‌های تاریخی شهرها به‌عنوان میراث فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای شناخته می‌شوند، اما فرسودگی و تخریب ناشی از گذر زمان و حذف تدریجی و یا تغییر عملکرد برخی بناها در بافت‌های تاریخی نیاز به توسعه‌های درون‌بافتی و طراحی بناهای میان‌افزا را مطرح می‌سازد. این توسعه‌ها در صورتی که ناموزن، بدون توجه به زمینه و به گونه‌ای شتابزده صورت پذیرد، منجر به ناهماهنگی و مخدوش شدن بافت قدیم می‌شود. استیون سمز^۱، استاد دانشگاه و معمار و طراح پروژه‌های گوناگون حفاظتی و ساختمانی در آمریکا چهار راهکار برجسته طراحان در برخورد با زمینه‌های تاریخی را تکرار عین به عین زمینه، مداخله خلاقانه در سبک، ارجاع انتزاعی و مخالفت عمدی با زمینه معرفی می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی استراتژی ترجیحی متخصصان معماری شهرسازی و مرمت برای طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی از میان چهار راهکار مطرح شده توسط سمز می‌باشد، شناخت دیدگاه‌های ترجیحی متخصصان و مقایسه آن با دیدگاه‌های شهروندان و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دیدگاه‌های این دو گروه می‌تواند راهنمای متخصصان در طراحی‌های میان‌افزای آینده باشد. روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش پیمایشی است و در دو مرحله صورت گرفته است. همچنین اطلاعات به دو طریق مطالعات اسنادی و میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق را ۱۲۰ نفر از متخصصان این سه رشته تشکیل می‌دهند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که معماران راهکار مخالفت عمدی با زمینه و شهرسازان و متخصصان مرمت، راهکار تکرار عین به عین زمینه را به‌عنوان استراتژی ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی برمی‌گزینند. همچنین مهم‌ترین خصیصه طراحی از دیدگاه متخصصان معماری، ایجاد نوآوری و پیچیدگی در زمینه و از دیدگاه متخصصان شهرسازی و مرمت، دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه می‌باشد.

واژگان کلیدی: بناهای میان‌افزا، بافت‌های تاریخی، استیون سمز، استراتژی ترجیحی متخصصان.

* این مقاله برگرفته از بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «بازیابی فضای گمشده در بافت قدیم قزوین با رویکرد زمینه‌گرایی در قالب طراحی مجموعه چند عملکردی فرهنگی تجاری» با راهنمایی نویسنده دوم در گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین می‌باشد.

** E-mail: Soheili@qiau.ac.ir

۱. مقدمه

به جای رقابت با هویت موجود یک منطقه آن را توانمند می‌سازند. این بناها با ساختمان‌های پیرامون سازگار و هماهنگ شده و جلوی گسیختگی شدید را می‌گیرند. این امر نافی تفاوت میان ساختمان‌ها نیست و وجود تفاوت در راستای سرزندگی بیشتر است (Pakzad, 2010, p. 465). پژوهش حاضر به بررسی راهبرد ترجیحی معماران و متخصصان مرمت و شهرسازی برای طراحی بناهای میان‌افزا از میان چهار راهکار مطرح شده توسط سمز که بین دو بازه تضاد با زمینه و سازگاری با زمینه واقع شده‌اند خواهد پرداخت. شناخت راهکار ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه این متخصصان که در واقع سازندگان اصلی کالبدهای شهری هستند و مقایسه آن با دیدگاه‌های شهروندان می‌تواند پاسخی به چرایی عدم موفقیت توسعه‌های میان‌افزا در بسیاری از هسته‌های تاریخی کشور باشد. همچنین می‌توان این‌گونه فرض کرد که گرایش معماران بیشتر به سمت مخالفت و تضاد با زمینه (راهکار تضاد عمده با زمینه) و گرایش متخصصان شهرسازی و مرمت بیشتر متمایل به مطابقت و سازگاری با زمینه (تکرار عین به عین زمینه) خواهد بود. همچنین می‌توان این‌طور پیش‌بینی کرد که مهم‌ترین خصیصه طراحی از دیدگاه متخصصان معماری ایجاد نوآوری در زمینه و از دیدگاه متخصصان شهرسازی و مرمت، دلپذیر و خوشایند بودن و انسجام با زمینه خواهد بود.

۲. پیشینه تحقیق

از جمله مطالعات جدیدی که در مورد ساختارهای میان‌افزار صورت گرفته است می‌توان به مقالات حسام‌الدین ستوده و همکاران در دانشگاه UTM مالزی اشاره کرد. او در یکی از مقاله‌هایش به نام طراحی‌های موفق میان‌افزا در بافت‌های تاریخی به بررسی پارامترهای تأثیرگذار نظیر شکل، مصالح، تزیینات و غیره می‌پردازد (Sotoude & Vanmohdzakeri, 2012, pp. 7-12).

در مقاله دیگری به نام ارزیابی تناسب طراحی در بافت‌های تاریخی شهری از دیدگاه ساکنان، راهکارهای طراحی بناهای میان‌افزا را از دیدگاه ساکنان مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Sotoude & Vanmohdzakeri, 2013, pp. 85-93). روش تحقیق به کار برده شده در مقاله پیش‌رو از این مقاله الگوبرداری شده است.

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در ایران می‌توان به کار مجتبی رفیعیان و همکاران به نام «سنجش ظرفیت توسعه فضاهای بدون استفاده در مرکز شهر قزوین اشاره کرد، که یک پژوهش در حیطه شهرسازی است و به امکان‌سنجی توسعه میان‌افزا در یکی از خیابان‌های شهر قزوین می‌پردازد» (Rafieian, Barati, & Aram, 2010, pp. 45-61).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان تأثیرات ساختارهای میان‌افزا

رشد و توسعه بافت‌های تاریخی و طراحی در این‌گونه زمینه‌ها لزوم حساسیت طراحان، معماران و متخصصین شهری را می‌طلبد، ساخت بناهای جدید در زمینه‌های تاریخی مسئله بسیار پیچیده‌ای است؛ چرا که این‌گونه بناها از آن جهت که ساختارهایی جدید در درون بافت تاریخی هستند، باید روح زمان حاضر را القا و بیان کنند. ولی در عین حال، طرح آن‌ها باید زمینه تاریخی را که در متن آن قرار گرفته‌اند، مورد توجه قرار دهد. عدم توجه به گذشته شهرها و روند شکل‌گیری و توسعه تاریخی آن‌ها در بازسازی‌های سریع جنگ جهانی دوم و نتایج زیان‌بار آن در معماری و شهرسازی سبب معطوف گشتن نظر برخی متفکران به ملاحظات جهت طراحی در زمینه‌های موجود شد؛ به گونه‌ای که به تدریج در کنگره‌ها و نشست‌های جهانی به این موضوع پرداخته شد. در ادامه این نگرش، برخی نظریه‌پردازان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم باب مباحثی را در این خصوص گشودند، اما به طور مشخصی در دهه ۸۰ بحث زمینه‌گرایی در معماری غرب مطرح شد. انتشار کتاب (معماری زمینه‌گرا)^۲ در سال ۱۹۸۰ از جمله نتایج این حرکت است که به نمونه‌های مختلفی از نحوه برخورد با زمینه طراحی در معماری می‌پردازد. در سال ۱۹۸۳ در شهر رم، اجلاس مشترکی توسط ایکروم^۳ و ایکوموس^۴ برگزار و نتایج حاصله در سال ۱۹۹۳ به شکل رهنمودهایی برای محوطه‌های میراث فرهنگی منتشر شد. ایکروم در قسمتی از بخش نهم کتاب (راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی)^۵ نتیجه حدود ده سال همکاری متخصصان حفاظتی و مدیران میراث جهانی کشورهای مختلف جهان را در معرض استفاده همگان قرار داده است. در این کتاب نخستین بار واژه (بناهای میان‌افزا)^۶ به منظور حضور سازه‌های جدید در زمینه‌های تاریخی مطرح و ویژگی‌های آن برشمرده شد (Shah Teymouri & Mazaherian, 2012, p. 30).

توسعه میان‌افزا یا توسعه از درون در حقیقت نوعی از توسعه است که برخلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری در بستر شهر موجود و با حضور شهروندان و واحدهای همسایگی صورت می‌پذیرد. در توسعه درونی به جای گسترش افقی شهرها، بافت‌های قدیمی و هسته‌های تاریخی و بعضاً ناکارآمد شهری مورد احیا و بهسازی و نوسازی قرار می‌گیرند (Rafieian, Barati, & Aram, 2010, p. 48).

به عبارت دیگر، توسعه میان‌افزای شهری، توسعه در قطعاتی است که در طی دوران توسعه شهر، از فرآیند توسعه به دور افتاده و توسعه در آن‌ها رخ نداده است (Falconer & Frank, 1990, p. 137). در تعریف بناهای میان‌افزا نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد که ساختارهای میان‌افزا، بناهایی جدید در زمینه‌های تاریخی هستند که

ج. ارجاع انتزاعی: استراتژی سوم به سمت ارجاع به بناهای تاریخی موجود در زمینه حرکت می‌کند، در حالی که از شباهت‌های دقیق و یا به کار بردن شکل و سبک تاریخی جلوگیری می‌کند. این رویکرد به سمت تعادلی بین تضاد و سازگاری پیش می‌رود ولی بیشتر به مورد اول تمایل دارد.

د. مخالفت عمدی: این استراتژی نوعی تضاد و مخالفت آگاهانه با زمینه است و هدف آن کسب شخصیت متمایز از طریق مخالفت با زمینه است.

۳-۱- ویژگی‌های شناختی برای ارزیابی کیفیت زیبایی‌شناسانه محیط

کیفیت بصری یک شهر نتیجه موفقیت یک ساختمان منفرد نیست؛ بلکه ماحصل یک طراحی شهری آگاهانه است و نگرانی درباره کیفیت زیبایی‌شناسانه طراحی در محیط‌های تاریخی شهری بی‌مورد نیست؛ زیرا که جنبه‌های زیبایی‌شناسانه محیط یکی از اصلی‌ترین عوامل در تجزیه و تحلیل تأثیرات روانشناختی محیط بر فرد است (Reis & Dias Lay, 2010, p. 42).

دیدگاه‌های مختلفی در زمینه ادراک و ارزیابی کیفیت طراحی محیط مطرح شده است که اکثر آن‌ها بر ترجیحات زیبایی‌شناختی استوار است. معیارهای این پژوهش نیز با اقتباس از اثر گیفورد فراهم شده است و شامل شش ویژگی شناختی ارزیابانه: صمیمیت و جامعه‌پذیری، انسجام (در مقابل گیج‌کننده و مبهم)، معنادار و نمادین (در مقابل بی‌معنی و غیرنمادین)، نوآور و خلاق (در مقابل غیرخلاق)، پیچیدگی (در مقابل سادگی)، دلپذیری و خوشایند بودن می‌باشد (Gifford & Hine, 2002, pp. 131-154).

در این مقاله ضمن شناسایی استراتژی‌های طراحی دارای اولویت از دیدگاه متخصصان ارتباط بین این استراتژی‌های منتخب با شش ویژگی شناختی مطرح شده در بالا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. روش تحقیق

این پژوهش به صورت پیمایشی انجام خواهد شد و با معیار قرار دادن طبقه‌بندی سمز به بررسی استراتژی ترجیحی متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت برای طراحی در بافت‌های تاریخی خواهد پرداخت.

در مرحله اول این پژوهش ابتدا ۹۶ چشم‌انداز ساختمانی از ایران و سایر نقاط جهان انتخاب می‌شوند و از ۱۲ متخصص معماری خواسته می‌شود که این تصاویر را همانند (شکل ۱) بین چهار راهکار مطرح شده توسط سمز طبقه‌بندی کنند. تصاویر می‌توانند بر روی یک نمودار پیوسته که یک سر آن تطابق (سازگاری با زمینه) و انتهای دیگر آن تضاد می‌باشد در هر کجای نمودار جای گیرند.

بر تحریک نوسازی در بافت‌های فرسوده، نویسنده ساختارهای میان‌افزا را عامل اصلی محرک توسعه معرفی می‌کند (Khademi & Alipour, 2011, pp. 80-83).

کارهایی نیز در حیطه مرمت و در رابطه با بناهای میان‌افزا صورت گرفته است که می‌توان به کتاب ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی اشاره کرد که نویسنده در آن روش‌هایی را که معمولاً معماران برای ساخت‌وساز در بافت‌های تاریخی برمی‌گزینند، معرفی و طبقه‌بندی می‌نماید (Ghadiri, 2007). همچنین می‌توان به مقاله «رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی» (Shah Teymouri & Mazaherian, 2012, pp. 29-40) و مقاله «بناهای میان‌افزا واسطه حضور سازه‌های نوین در بافت‌های تاریخی» اشاره کرد (Farahza, 2011, pp. 1-11).

۳. مبانی نظری

نگرش‌های مختلفی نسبت به طرح و احداث بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی شکل گرفته است. از بی‌تفاوتی مدرنیسم نسبت به زمینه تاریخی گرفته تا تقلید و نمونه‌برداری محض طیف نسبتاً وسیعی را می‌توان جستجو کرد. تیلور در کتاب خود (حفاظت تاریخی)، سه راهکار در برخورد با زمینه‌های تاریخی را تطبیق و تکرار زمینه، ایجاد سازگاری و هماهنگی با زمینه و تضاد جدید با قدیم را معرفی می‌کند (Tylor, 2006).

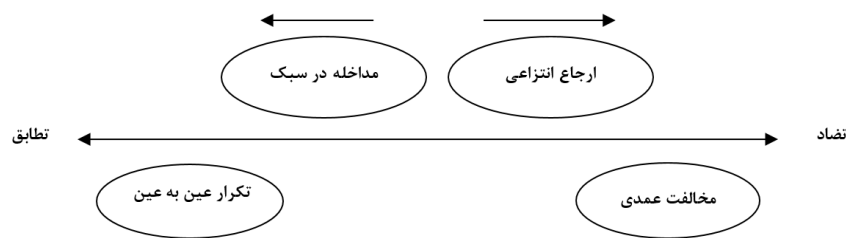
دیویس در کتاب (طراحی در محوطه‌های تاریخی)، یک طیف پیوسته را مطرح می‌سازد که یک سر آن را تضاد و انتهای دیگر آن را سازگاری نامید و هرگونه واکنش طراح نسبت به زمینه و راهکاری که برای طراحی برمی‌گزیند؛ با توجه به دوری یا نزدیکی به هر یک از دو سر طیف در این نمودار جای داد. او پنج رویکرد متفاوت را برای طراحی میان‌افزاها در نظر گرفت که شامل: رویکرد تقلیدی، رویکرد سنتی، رویکرد دقیق و رویکرد مدرن و سرکش می‌باشد (Davis, 2003).

نظریه‌ای که در این پژوهش به‌عنوان مبانی نظری مورد استفاده قرار می‌گیرد، دیدگاه استیون سمز می‌باشد. او ضمن پذیرفتن نظریه‌های دیویس و تیلور، چهار راهکار برجسته طراحان را تکرار عین به عین زمینه^۷، مداخله خلاقانه در سبک^۸، ارجاع انتزاعی^۹ و مخالفت عمدی^{۱۰} معرفی می‌کند (Semmes, 2009, pp. 163-178).

الف. تکرار عین به عین زمینه: استراتژی تکرار زمینه، مسئله سازگاری با زمینه را در اولویت قرار می‌دهد و سعی دارد که تفاوت را به حداقل برساند.

ب. مداخله خلاقانه در سبک: این استراتژی در حالی که طرح اصلی را دقیقاً تکرار نمی‌کند، عناصر جدیدی را به طرح اصلی یا طرحی نزدیک به آن اضافه می‌کند و به نوعی ادامه‌دهنده زبان معماری زمینه است. هدف این رویکرد رسیدن به تعادلی بین تضاد و سازگاری است.

شکل ۱: چهار راهکار طراحی بناهای میان‌افزا بر روی نمودار از تطابق تا تضاد



ارزش‌گذاری می‌شوند. حاصل جمع عددی این ارزش‌ها نمره را در این مقیاس به دست می‌دهد که بیانگر گرایش پاسخ‌دهندگان است. از مقایسه این نمرات با یکدیگر می‌توان راهکار ترجیحی متخصصان برای طراحی بناهای میان‌افزا را شناسایی نمود و ویژگی‌های شناختی مؤثر در این ترجیح را نیز معرفی کرد.

۵. یافته‌های تحقیق

در مجموع ۱۲۰ پاسخ‌دهنده در این پژوهش شرکت داشتند که شامل ۴۰ متخصص از هر یک از رشته‌های معماری، شهرسازی و مرمت می‌باشند. جدول ۱ بیانگر تعداد پاسخ‌دهندگان، جنسیت و سطح تحصیلات آنان می‌باشد. سطح تحصیلات اکثر پاسخ‌دهندگان کارشناسی‌ارشد می‌باشد.

در مرحله بعدی ۱۲ ساختمان از مخزن ۹۶ تایی برای پرسشنامه انتخاب خواهند شد. بدین معنا که برای هر راهبرد طراحی، سه ساختمان از بافت ایران و نه ساختمان از دیگر نقاط جهان انتخاب می‌شوند. سپس از ۱۲۰ متخصص معماری، شهرسازی و مرمت خواسته می‌شود که در مورد تصاویر هر گروه از راهبردهای طراحی به این ویژگی‌های شناختی که شامل: انسجام با زمینه^{۱۱}، معنادار بودن در زمینه^{۱۲}، دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه^{۱۳}، ایجاد پیچیدگی در زمینه^{۱۴}، دارای ارتباط صمیمی و دوستانه با زمینه^{۱۵} و بدیع بودن در زمینه^{۱۶} است، امتیاز دهند.

پرسشنامه در مقیاس لیکرت طراحی می‌شود و شامل پنج گویه (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) می‌باشد. سپس هر یک از گویه‌ها از نظر عدد به ترتیب از ۱ تا ۵

جدول ۱: تعداد پاسخ‌دهندگان، جنسیت و سطح تحصیلات

تحصیلات			جنسیت		تعداد پاسخ‌دهندگان
دکتری	کارشناسی‌ارشد	کارشناسی	مرد	زن	۱۲۰
۴	۶۰	۵۶	۵۸	۷۱	

امتیاز را به این راهکار دادند و راهکار تکرار عین به عین زمینه کمترین امتیاز را از جانب این متخصصان کسب کرد (جدول ۲). در واقع همان‌طور که در نمودار ۱ قابل مشاهده است، هر چقدر از سازگاری با زمینه به سمت تضاد با زمینه پیش می‌رویم، میزان گرایش متخصصان معماری نیز افزایش پیدا می‌کند.

۵-۱- استراتژی ترجیحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت

همان‌طور که پیش‌بینی شده بود، متخصصان معماری راهکار تضاد عمدی با زمینه را به‌عنوان ارجح‌ترین راهکار طراحی بناهای میان‌افزا انتخاب کردند و بیشترین

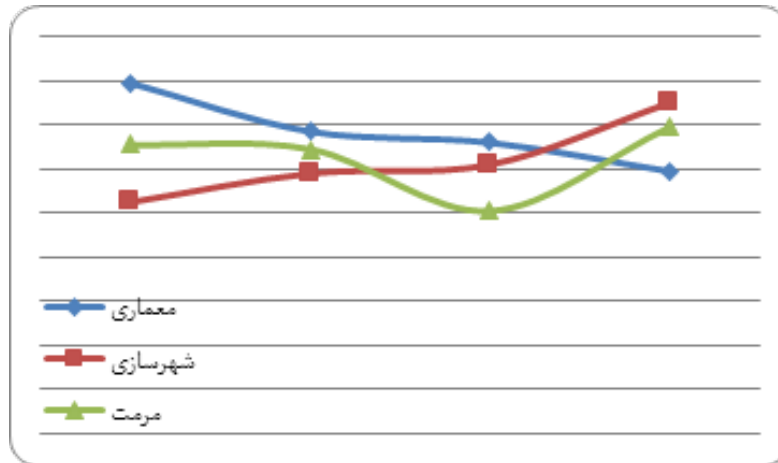
جدول ۲: میزان گرایش متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت به هر یک از چهار راهکار طراحی بناهای میان‌افزا

تضاد عمدی با زمینه	ارجاع انتزاعی	مداخله خلاقانه در سبک	تکرار عین به عین زمینه	تخصص
۱۵۹	۱۳۷	۱۳۲	۱۱۹	معماری
۱۰۵	۱۱۸	۱۲۲	۱۵۰	شهرسازی
۱۳۱	۱۲۹	۱۰۱	۱۳۹	مرمت

کاسته می‌شود (نمودار ۱). متخصصان مرمت نیز راهکار تکرار عین به عین زمینه را به‌عنوان ارجح‌ترین راهکار انتخاب کردند و راهکار تضاد عمدی با زمینه از دیدگاه این متخصصان در جایگاه دوم قرار گرفت (نمودار ۱).

به صورت کاملاً معکوس، متخصصان شهرسازی بیشترین امتیاز را به راهکار تکرار عین به عین زمینه دادند و هر چقدر راهکارهای طراحی به سمت تضاد با زمینه نزدیک می‌شوند از میزان گرایش متخصصان این رشته به آن

نمودار ۱: راهبرد ترجیحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت



در انتخاب راهکار طراحی از دیدگاه متخصصان آن رشته شناخته می‌شود. با توجه به نمودار ۱، راهکار ترجیحی متخصصان معماری تضاد عمدی با زمینه می‌باشد و ویژگی‌های شناختی که در راهکار تضاد عمدی بیشترین امتیاز را از متخصصان این رشته کسب کرده‌اند، دو ویژگی نوآوری در زمینه و پیچیدگی در زمینه می‌باشد که به‌عنوان دو ویژگی اصلی مؤثر در انتخاب استراتژی ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه متخصصان معماری شناخته می‌شوند (جدول ۳).

۵-۲- ویژگی‌های شناختی مؤثر در انتخاب راهکار طراحی از دیدگاه متخصصان

برای درک این مطلب که چه عاملی سبب می‌شود متخصصان هر رشته یک راهکار را به‌عنوان راهکار ترجیحی برگزینند و امتیاز بیشتری به آن دهند، از آنان خواسته شد که در مورد هر راهکار به شش ویژگی شناختی که برای ارزیابی زیبایی بناهای جدید در زمینه‌های تاریخی توسط گیفورد مطرح شده است امتیاز دهند. در نتیجه آن ویژگی شناختی که بیشترین امتیاز را در راهکار ترجیحی هر گروه از متخصصان کسب کند به‌عنوان ویژگی مؤثر

جدول ۳: ارزشیابی شش ویژگی شناختی در هر یک از چهار راهکار طراحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه متخصصان معماری

ویژگی شناختی	تکرار عین به عین زمینه	مداخله خلاقانه در سبک	ارجاع انتزاعی	تضاد عمدی
انسجام با زمینه	۱۲۲	۹۹	۱۱۸	۱۱۴
معنادار بودن در زمینه	۱۲۲	۱۰۸	۱۳۴	۱۳۸
دلبند و خوشایند بودن در زمینه	۱۲۹	۱۲۸	۱۳۲	۱۴۳
پیچیدگی در زمینه	۱۰۳	۱۱۳	۱۴۰	۱۶۵
ارتباط صمیمی و دوستانه با زمینه	۱۱۴	۱۰۸	۱۱۹	۱۲۲
نوآوری در زمینه	۱۰۰	۱۲۷	۱۵۱	۱۶۵

کسب کرده‌اند. در نتیجه ویژگی‌های دلبند و خوشایند بودن در زمینه و بعد از آن انسجام با زمینه به‌عنوان دو ویژگی اصلی مؤثر در انتخاب راهکار طراحی از دیدگاه متخصصان شهرسازی شناسایی می‌شوند (جدول ۴).

متخصصان رشته شهرسازی راهکار تکرار عین به عین زمینه را به‌عنوان راهکار ترجیحی برگزیدند (نمودار ۱) و به ترتیب ویژگی‌های دلبند و خوشایند بودن با امتیاز ۱۴۳ و بعد از آن ویژگی انسجام با زمینه با امتیاز ۱۴۱ بیشترین امتیاز را در راهکار تکرار عین به عین زمینه

جدول ۴: ارزشیابی شش ویژگی شناختی در هر یک از چهار راهکار طراحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه متخصصان شهرسازی

ویژگی شناختی	تکرار عین به عین زمینه	مداخله خلاقانه در سبک	ارجاع انتزاعی	تضاد عمدی
انسجام با زمینه	۱۴۱	۱۰۸	۱۱۱	۹۳
معنادار بودن در زمینه	۱۲۸	۱۱۶	۱۱۲	۱۰۷
دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه	۱۴۳	۱۲۴	۱۱۹	۱۰۶
پیچیدگی در زمینه	۱۱۱	۱۱۹	۱۲۴	۱۳۱
ارتباط صمیمی و دوستانه با زمینه	۱۳۳	۱۰۹	۱۱۱	۱۱۰
نوآوری در زمینه	۱۲۵	۱۳۴	۱۲۷	۱۲۹

نتیجه ویژگی دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه از دیدگاه متخصصان مرمت همانند نظر متخصصان شهرسازی اصلی‌ترین عامل در انتخاب راهکار طراحی مناسب برای ساخت میان‌افزاها می‌باشد (جدول ۵).

استراتژی ترجیحی متخصصان مرمت نیز تکرار عین به عین با زمینه است (نمودار ۱) و ویژگی شناختی که در این راهکار بیشترین امتیاز را از جانب متخصصان مرمت کسب کرده است دلپذیری و خوشایندی در زمینه است. در

جدول ۵: ارزشیابی شش ویژگی شناختی در هر یک از چهار راهکار طراحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه متخصصان مرمت

ویژگی شناختی	تکرار عین به عین زمینه	مداخله خلاقانه در سبک	ارجاع انتزاعی	تضاد عمدی
انسجام با زمینه	۱۲۲	۸۹	۱۱۴	۱۱۸
معنادار بودن در زمینه	۱۲۸	۹۳	۱۲۳	۱۳۴
دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه	۱۴۰	۱۰۱	۱۲۲	۱۳۳
پیچیدگی در زمینه	۱۰۵	۱۰۹	۱۳۴	۱۳۸
ارتباط صمیمی و دوستانه با زمینه	۱۲۴	۹۵	۱۰۹	۱۲۲
نوآوری در زمینه	۱۱۸	۱۲۴	۱۴۵	۱۵۰

به‌وسیله راهکار طراحی تکرار دقیق زمینه به‌دست می‌آید (Groat, 1992, pp. 160-161).

همچنین در مقاله‌ای که ستوده و همکاران در آن به بررسی راهکارهای طراحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه ساکنان پرداختند و روش تحقیق مقاله پیش رو از این مقاله الگوبرداری شده است، راهکار تکرار عین به عین زمینه بیشترین امتیاز را از جانب مردم کسب کرده است و مردم کمترین امتیاز را به راهکار تضاد عمدی با زمینه، که با توجه به یافته‌های این تحقیق، استراتژی ترجیحی متخصصان معماری می‌باشد، داده‌اند. این تضاد شدید میان نگرش معماران و سایرین، خصوصاً عامه مردم نامطلوب می‌باشد و می‌تواند منجر به پایین آمدن سطح رضایت مردم از کیفیت فضاهای شهری شود چرا که معماران طراحان اصلی کالبدهای شهری هستند.

۶. تحلیل یافته‌ها

باتوجه به یافته‌های این پژوهش متخصصان معماری راهکار تضاد عمدی با زمینه را به‌عنوان ارجح‌ترین راهکار طراحی میان‌افزاها انتخاب کردند و هر چقدر راهکارهای طراحی به سمت زمینه‌گرایی و تطابق با زمینه پیش می‌روند از میزان گرایش این متخصصان به آن‌ها کاسته می‌شود. این نگرش معماران نه تنها براساس یافته‌های این پژوهش در تضاد با دیدگاه‌های متخصصان شهرسازی و مرمت می‌باشد؛ بلکه با نگرش عامه مردم نیز در تضاد است.

عامه مردم به‌طور کلی ترجیح می‌دهند که بناهای میان‌افزا بیشترین میزان تکرار بناهای اطراف خود را داشته باشند (Elish, 1994, pp. 63-75) و معتقدند که هارمونی و تناسب زیبایی‌شناسانه بناهای جدید با زمینه تاریخی تنها

کاسته می‌شود. به صورت کاملاً معکوس، راهکار تکرار عین به عین زمینه بیشترین امتیاز را از جانب شهرسازان کسب کرد و راهکار تضاد عمدی با زمینه کمترین امتیاز را به دست آورد. متخصصان مرمت نیز راهکار تکرار عین به عین زمینه را به عنوان استراتژی ترجیحی انتخاب کردند و راهکار تضاد عمدی از دیدگاه این متخصصان در جایگاه دوم قرار گرفت.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، دو ویژگی اصلی برای طراحی بناهای میان‌افزا از دیدگاه متخصصان معماری ایجاد نوآوری و پیچیدگی در زمینه است در صورتی که شهرسازان و متخصصان مرمت به ویژگی دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه بیشترین امتیاز را دادند و ویژگی انسجام با زمینه با اختلاف امتیاز اندک از دیدگاه متخصصان شهرسازی در جایگاه دوم قرار گرفت.

با توجه به نتایج تحقیقاتی که تاکنون درباره بناهای میان‌افزا صورت گرفته است، عامه مردم ترجیح می‌دهند که بناهای میان‌افزا بیشترین میزان تکرار بناهای اطراف خود را داشته باشند و این در تضاد با نگرش معماران درباره بناهای میان‌افزاست و می‌تواند عواقب نامطلوبی همچون کاهش رضایت و مشارکت مردم در فضاهای شهری را در پی داشته باشد که لزوم توجه متخصصان و معماران را به این مسئله می‌طلبد.

۷. نتیجه‌گیری

رشد و توسعه در بافت‌های تاریخی لزوم حساسیت طراحان و متخصصین شهری را می‌طلبد. توسعه میان‌افزا یا توسعه از درون به جای گسترش افقی شهرها، هسته‌های قدیمی و ناکارآمد شهری و قطعاتی که در طی دوران توسعه شهر، از فرآیند توسعه به دور مانده‌اند را مورد احیاء و بازسازی قرار می‌دهد. نگرش‌های مختلفی نسبت به طرح و احداث بناهای میان‌افزا شکل گرفته است که از آن جمله می‌توان به دیدگاه استیون سمز اشاره کرد. او هر واکنشی را که طراح در مواجهه با زمینه‌های تاریخی اتخاذ می‌کند بر روی یک نمودار پیوسته که یک سر آن سازگاری با زمینه و سمت دیگر آن تضاد با زمینه است جای می‌دهد؛ آنگاه نمودار را به چهار بخش تقسیم می‌کند و چهار راهکار طراحی، تکرار عین به عین زمینه، مداخله خلاقانه در سبک، ارجاع انتزاعی و تضاد عمدی با زمینه را مطرح می‌سازد. این مقاله که به بررسی استراتژی ترجیحی طراحی میان‌افزاها از دیدگاه متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت پرداخته شده است؛ معماران، راهکار تضاد عمدی با زمینه را به عنوان ارجح‌ترین راهکار شناسایی کردند و هر چه راهکارها به سمت سازگاری با زمینه پیش می‌روند از میزان گرایش معماران به آن

پی‌نوشت

1. Steven Semes
2. Architecture in Context، برولین، برنت سی (۱۹۸۰): «معماری زمینه‌گرا: سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم»، ترجمه راضیه رضازاده، ۱۳۸۳، اصفهان: خاک.
3. ICROM
4. ICOMOS
5. فیلدن، برنارد ویوکیلینو یوکا (۱۹۹۸): «راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی، ترجمه پیروز حناچی»، ۱۳۸۳، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
6. Infill Building
7. Literal Replication
8. Invention within Style
9. Abstract Reference
10. Intentional Opposition
11. Coherent Building with Context
12. Meaningful Building with Context
13. Pleasant Building with Context
14. Complex Building with Context
15. Friendly Building with Context
16. Novel Building with Context

References

- Davis, M. (2003). *Design in the Historic Environment*. Building Conservation.
- Elish, A.M. (1994). *Contextualism in Architecture: a Comprative Study of Environmental Perception*. The University of Michigan, 63-75.
- Falconer, M., & Frank, J. (1990). Sufficiency of Infrastructure Capacity for Infill Development. *Journal of Urban Planning and Development*, 116(3).
- Farahza, N. (2011). Infill Buildings Facilitate the Presence of New Structures in Old Texture. *Second International Conference on Architecture & Structure*, Faculty of Fine Arts, Tehran University, Iran.
- Ghadiri, B. (2007). *New Structures in Historical Environments*. Tehran: Office of Cultural Studies.
- Gifford, R., & Hine, D.W. (2002). Why Architects and Layperson Judge Building Differently: Cognitive Properties and Physical Base. *Journal of Architecture and Planning Resaerch*, 19(2), 131-154.
- Groat, L.N. (1992). *A Study of Perception of Contextual Fit in Architecture*. In: DousAmedeo et al. (Eds.), *Proceedings of the 14th Annual Environmental Design Research Association and Practice*, EDRA, University of Nebraska- Lincolnpp. 160-161.
- Khademi, M., & Alipour, R. (2011). Infill Structures Influence on Stimulating of Development in Worn-out Urban Tissues. *Journal of Landscape*, 14, 80- 83.
- Pakzad, J. (2010). *An Intellectual History of Urbanism*. Tehran: Armanshahr.
- Rafieian, M., Barati, N., & Aram, M. (2010). Measuring Developing Capacity of Unused Spaces in Qazvins City Center, with Emphasising on Infill Buildings Development.Approach. *Scientific Journal of Honar University*, 5, 45- 61.
- Reis, L., & Dias Lay, M.C. (2010). *Internal and External Aesthetic of Housing Estates*. Environmental and Behavior, SAGE Publication, 42.
- Semes, W. (2009). *The Future of the Past: A Conservation Ethic for Architecture*. Urbonism, and Historic Preservation. Available at WWW.North Company. 21/05/2015, 163-178.
- Shah Teymouri, Y., & Mazaherian, H. (2012). Design Guidelines for New Constructions in Historic Context. *HONAR-HA-YE-ZIBA MEMARI- VA- SHAHRSAZI*, 17(4), 29-40.
- Sotoude, H., & Wan Mohd Zakri, W.A. (2013). Evaluation of Fitness of Design in Urban Historical Context: From the Perspective of Residents. *Frontiers of Architectural Research*, 2, 85- 93.
- Sotoude, H., & Wan Mond Zakri, W.A. (2012). Affected Variables on Successful in Fill Design in Urban Historic Context. *Arts and Design Studies*, 3, 7-12.
- Tylor, N. (2006). *Historic Preservation: a Introduction to Its History. Principles and Practice*. 3rd Edition. Available at WWW.Norton, Co. 21/05/2015.